

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

برگردان: بهمن تقی زاده

۰۷ سپتمبر ۲۰۲۳

## انقلاب شکست خورده را زیر کوه دروغ دفن می کنند!

مقدمه دومینکو لوسوردو بر چاپ ایتالیایی، المانی و فرانسه کتاب «خروشچف دروغ گفت»

انقلاب شکست خورده را زیر کوه دروغ دفن می کنند!



در فرانسه پس از ترومیدور<sup>۱</sup>، ژاکوبین ها<sup>۲</sup> را از نظر اخلاقی نیز به گیوتین سپردند. علیه آنها تبلیغاتی پخش شد که آنها را آدم‌هائی شهوتران معرفی می کرد که در همه جا عشرتکده و اماکن لهو و لعب ایجاد کرده و در آنها به انواع افراطکاری ها مشغول بوده اند. تبلیغات می گفتند که فکر و ذکر روبسپیر را در کنار ارضای شهوت جنسی، بالاتر از هر چیز، قدرت طلبی تشکیل می داده است و این که او خود را آماده می کرد تا با دختر لونی شانزدهم ازدواج و از این طریق تاج و تخت فرانسه را تصرف کند. بدون تردید این اتهامات هوچیگری بودند، اما نمی شد گفت «سند و مدرکی» وجود نداشت. در واقع، «سند و مدرک» فراوان بود. «قباله ازدواج» امضاء شده بود؛ گذشته از این، «مهر با نشان زنبق فرانسه»، که نشان دودمان بوربون بود، نیز در خانه مستبد اعدام شده پیدا شده بود. دیگر هیچ تردیدی وجود نداشت: روبسپیر می خواست شاه فرانسه بشود، به همین دلیل دست به ترور زده بود!

مدافعان ترومیدور بر سر بالا بردن ارقام کشته های دوران ترور با یکدیگر رقابت می کردند: ده ها هزار، صدها هزار، بلکه میلیون ها! مدتی پاپوف<sup>۳</sup> هم آلوده این وسواس ایدئولوژیک شد و خود حتی بر آن افزود: روبسپیر برای آن که به جنگ داخلی پایان دهد وارد جنگ با وندی ها<sup>۴</sup> نشد، بلکه هدفش «کاهش شدید جمعیت این منطقه» و نسل کشی و

«ریشه‌کن کردن نژاد بشر»! بود. اما بابوف خیلی زود متوجه شد که ترمیدوری‌ها او را فریب داده‌اند و حتی آنها را متهم کرد که خود و با محکوم کردن توده‌ها به مرگ بر اثر گرسنگی، به دنبال نسل‌کشی هستند.

در تاریخ پیش می‌آید که انقلاب یا جنبش انقلابی را، پس از آن‌که درهم شکسته شد، زیر انبوه اتهامات افتراآمیز دفن کنند. این روزها – به رغم وحشی‌گری‌های فوق‌العاده جنگ داخلی، که فرانسه پس از سرنگونی رژیم‌های قبلی در آن غرقه شد، حتی متعصب‌ترین دشمنان ژاکوبین‌ها نیز اتهامات معاصران‌شان علیه روبسپیر را جدی نمی‌گیرند. ستالین از سوی دیگر آن‌قدر خوش اقبال نیست و درک آن نیز ساده است: اسطوره سیاهی که بر گرد او بافته‌اند برای بدنام کردن کامل کشوری که او سه دهه بر آن حکمرانی می‌کرد کاملاً مناسب است. البته اتحاد شوروی امروز دیگر وجود ندارد، اما جمهوری خلق چین که هست، توسعه می‌یابد و قدرت می‌گیرد و به همین ترتیب، تا امروز به اسطوره سیاهی که درباره ستالین ایجاد شده اسطوره سیاه مائو تسه دونگ نیز اضافه شده است!

اما منظره‌ای که برای ستالین ساخته‌اند بسیار عجیب و غریب‌تر است. از هنگامی که خروشچف «سخنرانی محرمانه»‌اش را ایراد کرد، ستالین را متهم کردند که کشورش را برای جنگی که هیتلر برای به راه انداختن آن تدارک می‌دید آماده نکرد. و دقیقاً بر اساس همین سخنرانی است که فیلسوف مشهوری همچون هانا آرنت به اقدام بی‌ارزش خلق و گسترش این «اسطوره سیاه» پرداخت: ستالین برای جنگ آماده نبود زیرا به هیتلر اعتماد کرد؛ این دو دیکتاتور برادران توأمان هم‌اند!

از سوی دیگر، یک جریان تجدیدنظرطلب، به ویژه در تاریخ آلمان، پدیدار می‌شود که اتهام کاملاً متضادی را متوجه رهبران شوروی می‌کند: ستالین به رغم معاهده عدم تجاوز، به شدت خود را برای تسلیح‌مجدد آماده کرد تا به آلمان حمله و آن را تسخیر کند؛ طرح بارباروسای هیتلر بسیار محدودتر از آن بود که جلوی برنامه‌های جنگی کرملین را بگیرد. این «افشاگری» جدید می‌باید «افشاگری»‌های «سخنرانی محرمانه» را دچار بحران کند: این فرصتی بود که نظریه اتحاد محکم میان بزرگترین نمونه‌های «توتالیتاریسم» (هیتلر و ستالین)، که هانا آرنت به ویژه در پخش آن می‌کوشید، آزمون شود. اما در واقع هیچ اتفاقی از این دست روی نداد: بوق‌های بزرگ تبلیغاتی به پخش اتهامات، یکی پس از دیگری، ادامه می‌دهند. ایدئولوژی حاکم متناقض‌ترین ادعاها و «افشاگری‌ها» را علیه ستالین پخش می‌کند. نکته اصلی آن است که همگی آن‌ها دروغ و اباطیل‌اند.

ما باید کار گروور فر را تحسین کنیم. او با روانی از زبان روسی و آرشیه‌های روسی استفاده کرده است؛ او بدون این‌که تسلیم جو سیاسی موجود شود، کار تحقیقی دقیق، پرحمت و صبورانه‌ای را انجام داده است. او بدون شک ادعای عنوان کتابش، «خروشچف دروغ گفت»، را اثبات کرده است. [پیش از این تحقیق] مؤرخان این واقعیت را می‌دانستند که خالق «سخنرانی محرمانه» به شیوه‌ای بسیار سهل‌انگارانه و نامعمول با حقایق تاریخی برخورد کرده است؛ اما اکنون شاهدند که تحریفات خروشچف، نیم‌حقیقت‌ها و دروغ‌های او، یکی پس از دیگری، به کمک اسناد و مدارک بی‌نقص و دقیق رسوا می‌شوند. فقط یک نمونه به ویژه جنجالی او این ادعا بود که ستالین بلافاصله پس از تجاوز نازی‌ها علیه اتحاد شوروی دچار افسردگی شد و مسئولیت‌های خود را رها کرد که نوعی داستان‌سرایی سوررئالیستی است، از همان نوع داستان‌سرایی که ترمیدوری‌ها به کمک آنها روبسپیر را به تلاش برای ازدواج با دختر لونی شانزدهم به منظور کسب تاج و تخت بوربون متهم می‌کردند.

مؤرخان اکنون می‌توانند به لطف تحقیق گروور فر، که دست و پای آنها را از بند داستان‌سرایی‌های بی‌اساس آزاد کرده است، به انجام وظایف خود بپردازند.

۱. ترومیدور یازدهمین ماه تقویم انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹ م.) است که در نهمین روز آن، مصادف با ۲۷ جولای ۱۷۹۴، روبسپیر و دیگر انقلابیون (موسوم به ژاکوبین‌ها) با کودتای ناپلئون سرنگون شدند و سر آن‌ها با گیوتین قطع شد. این واقعه درحقیقت به معنای شکست انقلاب و پیروزی ارتجاع و ضد انقلاب در فرانسه و آغاز استقرار دیکتاتوری ضدانقلابی است.

۲. جناح رادیکال حزب پیروز انقلاب فرانسه. اگر چه نام ژاکوبین در ابتداء تنها برای هواداران این حزب به کار برده می‌شد، به مرور زمان بدل به یک نام عام برای همه انقلابیونی شد که خواهان و هوادار تغییرات ساختاری رادیکال در فرانسه بودند.

۳. فرانسوا نوئل بابوف، روزنامه‌نگار و فعال سیاسی فرانسوی بود که با نام مستعار گراکوس بابوف می‌نوشت. او روزنامه‌نگاری انقلابی، مدافع پیشرو دموکراسی، الغای مالکیت خصوصی و برابری بود و روزنامه‌اش از فقراء و کارگران حمایت می‌کرد و خواستار شورشی مردمی علیه دیرکتوار فرانسه بود. وی به اتهام مخالفت با دولت و تحریک مردم و توطئه مسلحانه دستگیر و محاکمه و در تاریخ ۲۷ مه ۱۷۹۷ با گیوتین اعدام شد. (ویکی پدیا)

۴. ونده منطقه‌ای واقع در غرب فرانسه بود که در سال ۱۷۹۳ در جریان انقلاب فرانسه به طرفداری از کلیسای کاتولیک و سلطنت به جنگ علیه انقلاب دست زد. این جنگ که با قتل‌عام جمهوری‌خواهان در ماه مارچ این سال آغاز و با جنگ چریکی دنبال شد، در ۱۷۹۶ پایان یافت و ۲۴۰،۰۰۰ کشته بر جای گذاشت.

دانش و امید، شماره ۱۹، شهریور- سنبله- ۱۴۰۲